

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره سی و هشتم، بهار ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۰۹ / ۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶ / ۰۲ / ۲۰

صفحات: ۴۳-۶۴

جهانی شدن و تأثیرات سیاسی آن در ایران*

دکتر داریوش پیری*

دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران

دکتر نوشین میرزایی**

دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

چکیده

در این مقاله مفهوم جهانی شدن و دیدگاه نظریه پردازان مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت مطالعه ابعاد مختلف جهانی شدن تلاش شده از یک سو از طریق پرسشنامه و مصاحبه شناخت و فهم دانشجویان را نسبت به جهانی شدن و بعد سیاسی آن ارزیابی گردد، از سوی دیگر محقق تلاش کرده تا تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر روی زندگی، دانش درباره سمبل‌های جهانی، محصولات جهانی و نمادهای جهانی و فهم مفاهیم پایه جهانی شدن در میان دانشجویان مورد بررسی قرار دهد. جهانی شدن به عنوان یک نیروی اصلی در قرن ۲۱ تأثیرات اساسی بر جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران برجای گذاشته است. تأثیرات سیاسی جهانی شدن در ایران بویژه در میان دانشجویان بعنوان نمونه‌ای از جامعه ایران بیشتر در حوزه امور روزمره زندگی، ایجاد شخصیت‌های جهانی، گسترش سمبل‌های و نهاد‌های جهانی نمود پیدا کرده است. گرایش نسبت جامعه جهانی و افزایش آگاهی درباره حقوق سیاسی و اجتماعی از دیگر تأثیرات جهانی شدن در ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی شدن سیاست، سمبل‌های جهانی، شخصیت‌های جهانی، نگرش به جهانی شدن.

* نویسنده مسئول، ایمیل: piridaryoush@yahoo.com

** ایمیل: nooshin_mirzaie@yahoo.com

مقدمه

در مباحث علوم انسانی بویژه مسائل مرتبط با جهانی شدن ما با یک موضوع روبرو نیستیم بلکه با مجموعه موضوعاتی مواجهیم که در کل به همه آنها جهانی شدن گفته می شود. امروزه روند های جهانی به گونه ای است که گویی جهان باتمام معنایش از خرد تا کلان روندی غیر قابل پیشگیری را طی می کند، لاکن فراتر از همه این بحثها این فرایند کماکان مسیر خود را می پیماید و توقفی برای آن متصور نیست. با تمام این اوصاف باید اذعان داشت جهانی شدن یک مفهوم انتزاعی است که برای مشخص نمودن روند کلان سیاست های زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، علمی، اقتصادی و امنیتی در سطحی جهانی مقرر شده است. جهانی شدن در حقیقت یک مفهوم ذهنی است و تقریباً واقعیت بیرونی خاصی ندارد بلکه صرفاً از آثار و تبعات روند کلان جهانی شدن به این مفهوم استناد می شود.

تعاریف از جهانی شدن معمولاً نمی تواند از غرضهای پژوهشگر برکنار بماند و نتیجه آن بیشتر توجیه یا تقبیح پدیده جهانی شدن را مد نظر دارد. از این رومی توان اذعان داشت که جهانی شدن صرفاً یک مفهوم نو برای یک فرایند کهن است. جهانی شدن آرمان همیشگی بشر بوده و به هر صورت و قالبی به آن نگاه کنیم بی تردید کارگزار آن اراده، فعل و برنامه انسان است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۱).

در مورد قدمت و خاستگا پدیده جهانی شدن در میان متفکران اختلاف نظر وجود دارد و اجماعی نیست. برخی جهانی شدن را یک پدیده قدیمی می دانند که قدمت آن به درازای تاریخ بشر است و برخی آنرا یک پدیده جدید می دانند که در محدوده چند دهه اخیر شکل گرفته است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۶).

مفهوم جهانی شدن

در مورد مفهوم جهانی شدن دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. گروهی جهانی شدن را نوعی تغییر در الگوها می دانند که عمدتاً شامل تغییر در شیوه زندگی، ارزشها، و تساهل در برابر انواع تنوع است (Scholte, ۱۹۹۹: ۹-۱۸). در همین راستا شولت همچنین معتقد است که از دهه ۶۰ به بعد جهانی شدن کامل رخ داده است و قلمرو دایمی به طور کامل به سمت تحقق خارجی حرکت می کند (شولت، ۱۳۸۲: ۷۳).

گروهی دیگر از متفکران با محوریت دیوید هاروی تحلیل شان از جهانی شدن را با تمرکز بر دو مفهوم «زمان» و «فضا» آغاز می کنند. از دیدگاه این گروه جهانی شدن در اثر فشردگی زمان / فضا بوجود می آید. فشردگی زمان و فضا از دیدگاه این دسته عبارت است از کاهش زمان و کوچک شدن

فضا و در اثر این فشردگی زمان برای انجام کارها بتدریج کاهش می یابد و همین کاهش زمان به نوبه خود کاهش یافتن فاصله تجربی بین دو نقطه متفاوت در فضا را بدنبال خواهد داشت. از دیدگاه این گروه در عین حال که مکانها ثابت می مانند زمان ارتباط آنچنان کوتاه می شود که فضا معنا و اهمیت خود را از دست می دهد. در این دیدگاه آغاز فرایند فشردگی زمان/ فضا را در حقیقت همان آغاز فرایند جهانی شدن می باشد. از دیدگاه این گروه عواملی که در تحقق فرایند فشردگی زمان نقش بازی می کنند عبارتند از تحولات اقتصادی و پیشرفتهای چشم گیری در حوزه های ارتباطی موانع فضایی را به گونه ای به تحلیل برده اند که جهان را به حوزه واحد تبدیل کرده است. در چنین شرایطی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چنان گستره ای جهانی یافته که فعالیت ها، تصمیم ها و رویداد ها در بخشی از جهان افراد و اجتماعات بخش های کاملاً دور افتاده را هم تحت تأثیر قرار می دهد. طیف دیگری از نظریه پردازان با تمرکز بر آرای گیدنز در تبیین جهانی شدن از مفهوم «جاکنندگی» استفاده می کنند. منظور این گروه از این مفهوم همانگونه که گیدنز می گوید این است که «کننده شدن روابط اجتماعی از محیط های محلی هم کنش و تجدید ساختار این محیط ها در راستای پهنه های نامحدود زمانی و مکانی است» (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۴۹). در حقیقت این گروه می گویند دیگر روابط اجتماعی و پدیده های اجتماعی در جوامع مدرن مانند جوامع پیشا مدرن یا همان جوامع سنتی مکان مند و یا صرفاً در قالب های محدودی مکانی جا نگرفته بلکه از نظر زمانی و مکانی نامحدود می باشد. به عقیده این طیف مهم ترین ویژگی جهانی شدن تفکیک زمان مکان است و کم رنگ شدن نقش جغرافیا و فضا در تعامل جوامع انسانی است. به عبارت دیگر جهانی شدن یک فرایند اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می شوند. در پرتو چنین تحولاتی جهان شاهد وجود تک جامعه و تک فرهنگ در سیاره زمین خواهد بود. جامعه جهانی شده از نظر فرهنگی نامنسجم و ناهماهنگ است. در این جامعه و ابستگی و تعلق خاطر افراد به هویت سرزمینی کم رنگ شده از بین می رود و نوعی ارتباط گسترده هماهنگی وجود دارد. به گونه ای که دنیا کوچک تر از قبل بروز می یابد و افراد در متن آن می توانند هر چیزی را به هر کسی در هر کجای دنیا که مایل باشند منتقل سازند آن هم انتقالی که از سرعت نور بر خوردار است (Held and McGrew, ۲۰۰۰: ۴۲).

در نهایت تعریفی که از جهانی شدن می توان داشت مطابق با تعریف مالکوم واترز عبارت است از: «فرایندی اجتماعی است که در آن محدودیت های جغرافیایی، تنظیمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش می یابد و مردم به گونه ای فزاینده از رفع شدن این محدودیت ها آگاهی

می یابند و بر پایه آن عمل خواهد کرد» (Waters, 2001:5). در تعریف واترز مکانیسم های ارتباطی بسیار مورد توجه هستند. رسانه ها ابزار تاثیر گذار هستند و مهمترین عمل تاثیر گذار بر جوامع مختلف هستند که دارای جنبه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد.

ابعاد جهانی شدن

در میان صاحب نظران دیدگاههای مختلفی در مورد جهانی شدن وجود دارد، همین تنوع باعث شده جهانی شدن از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در راستای فهم بهتر به بررسی ابعاد مختلف جهانی شدن می پردازیم.

جهانی شدن اقتصاد

بیشتر محققان جهانی شدن را عمدتاً فرایندی اقتصادی تکنولوژیک می دانند. این گروه از محققین جهانی شدن را برای توصیف همگرایی جهان درون یک اقتصاد سرمایه داری به کار می برند. این فرایند از طریق افزایش تمرکز صنایع در دست تعداد کوچکی از شرکت های فراملی، پویایی جهانی سرمایه، جریان کالا، تقسیم کار جهانی، رشد نهادهای جهانی و تغییر در تجارت جهانی از کالاها و خدمات به ابزارهای مالی متجلی می شود. جهانی شدن اقتصاد شرایطی را بوجود می آورد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری، تولید و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را خواهند داشت (واترز، ۱۳۷۹:۱۴۲).

در اواخر دهه فئاد موج جدیدی از فرایند جهانی شدن اقتصاد شکل گرفت که در درجه اول تحت تأثیر تحولات و پیشرفتهای حیرت انگیز در عرصه ارتباطات بود. این پیشرفت ها هزینه های ارتباط و حمل و نقل را به میزان بسیار زیادی پائین آورد و زمینه ساز ادغام جهانی اقتصادها شد. از سال ۱۹۴۵ تاکنون هزینه حمل کالا از طریق دریا به طور متوسط پنجاه درصد، هزینه های حمل و نقل هوایی هشتاد درصد و هزینه مکالمات تلفنی بین المللی ۹۹ درصد کاهش یافته است و به همین دلیل شبکه های ارتباطی بسیار کارآمد و کم هزینه ای در گستره جهانی شکل گرفته است و پیشرفت های خارق العاده در رایانه ای کردن امور بوجود آمده است. نظام های دیجیتالی و فن آوری ماهواره ای نیز در پیشبرد فرایند جهانی شدن اقتصادی در سال های اخیر نقشی بسزا داشته اند. در نتیجه این تحولات امروزه بسیاری از کالاها و خدماتی که تاکنون قابل تجارت نبودند، در مدار تجارت جهانی قرار گرفته اند. نظام های ارتباطی جهانی، به شرکت ها این امکان را می دهد تا برنامه تولیدی و عملیات مالی خود را به صورت همزمان در چندین کشور هماهنگ کنند و در واقع به عملیات اقتصادی

جهانی مبادرت ورزند. اطلاعات نیز به واسطه شبکه‌های ارتباطی قابل تجارت و مبادله شده است. اطلاعاتی مانند مشاوره مدیریتی، سیستم‌های نرم‌افزاری، فیلم، نوار کاست، دیسک‌های فشرده، اخبار تلویزیونی و از این قبیل در این چهارچوب، تحرک و سیالیت سرمایه نیز به میزان بسیار زیادی و در قالب پول افزایش یافته است. به عبارتی پول به محصولی تبدیل شده که جوهره‌اش اطلاعات موجود در آن است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۴).

به عبارت دیگر، باید اذعان کرد که جهانی شدن اقتصاد دارای نتایج مهمی برای اشخاص و اقتصادهای دیگر است. در واقع جهانی شدن اقتصاد دارای دو بعد است، در بعد اول مفهوم گسترش جغرافیایی دارد. لذا جهانی شدن اقتصاد به طور فزاینده‌ای فضای جغرافیایی گسترده‌تری را اشغال می‌کند. و در بعد دوم جهانی شدن اقتصاد مفهوم فرآیندی را دارد که شدت و فشرده شدن وابستگی‌ها، پیوندها و تعاملات بین اقتصادی رادبرمی‌گیرد. بنابراین منطقی است که جهانی شدن اقتصاد را به شکل فرایندهای متعدد، متکثر و گسترده ترسیم کنیم. جهانی شدن اقتصاد بر ذات بی‌مرزی جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد و در نهایت جهانی شدن اقتصاد بر تبدیل شدن جهان، به ویژه در بعد اقتصادی، به یک واحد همگرا شده تأکید می‌کند. وضعیت فوق باعث تضعیف اقتدار دولت در نظم بخشیدن به اقتصادهای ملی می‌گردد و نظام اقتصادی جهانی جایگزین آن می‌شود (اخوان زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۲).

جهانی شدن اقتصاد شامل تغییرات و تحولات شگرفی است که در شیوه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات رخ داده است. بعلاوه تحولاتی رخ داده که وضعیت فعلی جهانی شدن را بیان می‌کند و این تحولات عبارتند از: وجود حداقل موانع تعرفه‌ای، رشد نو سوداگرای منطقه‌ای، تقسیم فنی کار به جای تقسیم بین‌المللی کار، غیر متمرکز شدن تولید، غیر مادی شدن کالاها، سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملی و درعین حال باقی ماندن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پذیرش الگوی انعطاف‌پذیر در ایدئولوژی تشکیلاتی سازمان‌ها، رشد و تکامل بازارهای مالی و مقررات روزافزون دولت‌ها در زمینه بازار کار (واترز، ۱۴۲: ۱۳۷۹).

از بعد اقتصاد اطلاعاتی نیز علائم و نشانه‌های جهانی شدن اقتصاد بسیار است. در زمینه تکنولوژی و امور فنی نیز اکنون شاهد تغییرات بسیار گسترده‌ای هستیم. خصوصاً در زمینه ارتباطات، اطلاعات، و رسانه‌ها، این تکنولوژی به نیروی عظیمی برای تغییر و تحول تبدیل شده است به گونه‌ای که از عصر کنونی به عنوان عصر اطلاعات نام می‌برند. البته باید توجه داشت که هنوز برخی از محققان نظرات مخالفی درباره رهیافت حاکم بر اقتصاد وجود دارد. بعنوان مثال کوهن براین باور است که اقتصاد بین‌المللی هنوز جهانی نشده است و بازارها، حتی بازارهای صنایع استراتژیک و شرکت‌های عمده، هنوز از یکپارچگی کامل فاصله دارند (کاستلز، ۱۳۲: ۱۳۸۰).

جهانی شدن فرهنگ

به باوری جهانی شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و رسوم فرهنگی نیز در ذات جهانی شدن نهفته است. در حقیقت فرایندهای دگرگون سازعظیم دوران ما با جهانی شدن توصیف می شوند و این فرایند ها را نمی توان به درستی فهمید مگر آنکه آنها رابا واژگانی که بار فرهنگی دارند دریابیم. به همین سان، این دگرگونیها بافت تجربه فرهنگی را تغییر می دهند و در واقع بر درک ما از مفهوم فرهنگ در دنیای مدرن تأثیری گذارند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۳). همچنین کاستلزنیز ماهیت جهانی شدنی که در حال شکل گیری است اساسا فرهنگی می داند و در چنین فضایی حاملان فرهنگ، علی الاصول می توانند بالاترین سهم ونقش را در تحولات آتی ایفا نمایند (کاستلز ۱۳۸۰: ۲۱).

موضوع جهانی شدن بر این فرض قرار دارد که عرصه فرهنگ بر مبادلات و روابط نمادین استوار است و جهانی شدن نیز در زمینه هایی بیشترین شتاب را دارد که در آنها نمادها واسطه برقراری روابط هستند. در واقع از آنجا که مبادلات مادی، روابط اجتماعی را به مکانهای به خصوص وابسته می کنند با محدودیت های زیادی مواجه می باشند. نمادها را می توان در هر زمان و مکان تولید کرد و محدودیت های نسبتا اندکی در تولید و بازتولید آنها وجود دارد. وانگهی این نمادها به سادگی قابل انتقال هستند. مهمتر اینکه چون نمادها غالبا گویای اصول و اعتقادات انسانی هستند، در عصر جهانی شدن از اهمیت جهانی برخوردارند (واترز، ۱۳۷۹: ۲۱).

در مباحث جهانی شدن فرهنگ با دو آینده نگری که اضمحلال هویت های ملی و گرایش به فرهنگ عمومی جهانی با ماهیتی لیبرال دموکراسی است روبرو می باشد. حوزه های تبادل اطلاعات به عنوان محرک اصلی تحولات جهانی در زمینه های فرهنگی و اجتماعی به تعریفی نو از فاصله با ماهیت عملکردی این واژه پرداخته است. در این دیدگاه جهانی شدن فرهنگ به معنای بوجود آمدن یک فرهنگ فراگیر برای همه ملت های جهان متفاوت با همه فرهنگ های محلی، ملی و قاره ای موجود است. فرهنگی که در آن زبان، سنن، تمایلات، ارزشها و شیوه های پرکردن اوقات فراغت برای همه مردم جهان یکسان شده است، در این دیدگاه عدم پایداری کارکردهای سنتی و بومی بتدریج منجر به فقدان هویت و سنت ها شده است و بافت اجتماعی جوامع را متلاشی می کند. هانس پتردوار معتقد است درماندگی روبه افزایش انسان ها در زمینه تشکیل گروهها و محافل مشترک و نهادهای مدنی، فقدان سنت و هویت و افزایش شکاف میان فردیت افراد، همه و همه از جمله مصایب و مشکلات انسان فردا خواهد بود. این گروه با تاکید بر نفوذ فرهنگ های بیگانه به گسترش سطح و عمق درهم پیچیدگی های اجتماعی و اقتصادی جهان، نابودی فرهنگ های بومی و خلق فرهنگ نوین و پویای جهانی را اجتناب ناپذیر می دانند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۵۵).

در نگاه دیگر به جهانی شدن فرهنگ که رابرتسون یکی از پرچم داران آن می باشد، جهانی

شدن به نوعی احساس یکی شدن است. احساس یکی شدن طریق دیگری است برای بیان این مطلب که جامعه بشری در حال هویت‌سازی نوینی است. به عبارت دیگر، جهانی شدن در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه فرهنگی موجب نوعی واگرایی توأم با همگرایی شده است. از سوی دیگر، احساس یکی شدن یا هویت‌سازی جهانی، نقش کلیدی را در ایجاد هماهنگی بین عین و ذهن، یا به عبارت دیگر بین جهانی شدن و فرهنگ منطبق با آن ایجاد می‌کند. از این جهت در عصر جهانی شدن یک واگرایی فرهنگ در سطح ملی و یک همگرایی فرهنگ در سطح کلان و جهانی در حال شکل‌گیری است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۹).

در واقع در این نگاه جهانی شدن همگون‌سازی فرهنگی را در پی دارد، زیرا جهانی شدن فرایندی است در یک نظام جهانی به هم پیوسته نامتقارن جهانی شدن برای همگن ساختن، چند فرهنگی تاریخی جوامع را به کار می‌گیرد و شکل‌های تازه‌ای از چند فرهنگی را می‌سازد و در واقع همان فرایند جهانی شدن که یکپارچه می‌کند تفکیک و طبقه‌بندی نیز می‌کند (کانکیلی، ۱۳۷۹: ۲۶۵). در شرایط جهانی شدن فرهنگ بسیاری از شاخص‌های فرهنگ قومی و محلی برجسته‌تر شده و به فراسوی سرزمین ملی و به فراسوی سرزمین ملی و بومگاه‌های محلی سرازیر شده است. روند جهانی شدن فرهنگ به معنای به فراموشی سپردن فرهنگ‌های بومی، منطقه‌ای و ملی نیست. در این دیدگاه برخی فرهنگ‌ها که امروزه به عنوان فرهنگ ملی از آنها یاد می‌شود، مصنوعی به نظر می‌رسد آنان معتقدند خطوط جداکننده واحد‌های سیاسی نمی‌توانند جداکننده فرهنگ‌ها نیز باشد و چنانچه دلبستگی‌نهایی افراد، هویت بومی، قومی، فرهنگی و دینی آنها باشد یا برجا می‌ماند. بنابر این باید گفت جهانی شدن به معنای از دست رفتن هویت‌های بومی نیست بلکه به معنای از دست رفتن مرزبندی‌های مصنوعی است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱۶۲).

جهانی شدن سیاست

امروزه پدیده جهانی شدن بطور کامل شناخت ما از سیاست و سرشت تعامل میان بازیگران عرصه سیاست را دگرگون کرده است. در نگرش سنتی به سیاست دولت محور اصلی بود و در آن دولت به عنوان بازیگر سیاسی رفتار می‌کرد و عمده توجه بر روی سطح ملی فعالیت دولت متمرکز بود. در این رهیافت دولت مهمترین عامل تاثیرگذار بر جوامع بود که شامل تاثیر بر رفتار، کردار و گرایش‌های سیاسی افراد است. ولی جهانی شدن باعث پایان بخشیدن و یا شاید نابود شدن تمایز میان حوزه داخلی و خارجی گردیده است. حتی برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که از ظهور یک «جامعه جهانی» صحبت میکنند. در واقع اگرچه امروزه دولت‌ملتها همچنان به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه سیاسی عمل می‌کنند اما رشد شدید عناصر فراملی و گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ممکن است

این ادعا را رد کند (Heywood, ۲۰۰۲: ۱۲۵).

در واقع جهانی شدن شامل تغییر سازمان سیاسی جوامع از سطح ملی به سطح فراملی است. بعد سیاسی جهانی شدن شامل مقولاتی مانند ظهور جامعه مدنی جهانی، توجه فزاینده به مسائل مشترک بین المللی، افزایش قدرت سازمان ها و نهادهای بین المللی، تضعیف حاکمیت دولت ملت ها، کاهش تمرکز قدرت دولت، پیشرفت دموکراسی لیبرال و ظهور اشکال جدید ملیت گرایی می باشد. براساس این دیدگاه در فرایند جهانی شدن، فشارهای درونی و بیرونی موجب تضعیف حکومت های ملی خواهد شد و نوعی بحران حاکمیت را به همراه خواهد آورد.

همچنین جهانی شدن با برهم زدن تعادل و سامان سیاسی جوامع موجب خلق وضعیتی متناقض گردیده است. به بیان هلد، جهانی شدن با از بین بردن محدودیت های فضا و زمان برای الگوهای تعامل اجتماعی، امکان شیوه های جدید سازمان اجتماعی، متضمن سازمان دهی رابطه میان قلمرو و فضای اجتماعی اقتصادی و سیاسی نیز هست. به عبارتی دیگر همان طور که فعالیت ها و گرایش های اجتماعی و سیاسی به طور فزاینده ای پا را از مناطق و مرزهای ملی فراتر می گذارد، دربرابر اصل قلمرو که زیربنای حکومت نوین را تشکیل می دهد نیز یک مبارزه مستقیم اوج می گیرد (هلد، ۱۳۸۲: ۸).

در واقع در عصر جهانی شدن مسائل ملی به عنوان مسائل بین المللی به سه طریق موجب تضعیف حاکمیت دولت می شوند:

۱. موجب جهت دهی مجدد به اولویت های سیاسی فردی می شود.
 ۲. دولت - ملت را بعنوان حلال مشکلات موجه نمی داند.
 ۳. سازمانهای بین المللی جدیدی تاسیس می کند که با وجود آنها دولت برخی از اهرمهای حاکمیت خود را از دست می دهد (امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۷۵).
- گرچه گرایش های کنونی سیاسی در عصر جهانی شدن پیچیده و تا حدی متناقض است ولی تحولات اخیر می تواند نشانگر پیروزی لیبرالیسم باشد و گرایش راهبردهای اقتصادی ملی به اتخاذ الگوهای توسعه بازار مدار در صورتی ادامه می یابد که راه را برای همکاری اقتصادی بین المللی هموار کند. در واقع، نقش دولت ها در سیاستگذاری های اقتصادی چه در سطوح ملی و چه فراتراز آن به حداقل ممکن میرسد. امروزه می توان سه شاخص مهم سیاسی برای جهانی شدن برشمرد که عبارتند از سقوط نظام های تمامیت خواه و اقتدارگرای سیاسی، گرایش به دموکراسی و تکثر سیاسی و احترام به حقوق بشر. حرکت جهانی به سمت همگرایی های شدید میان ملت ها در امر تولید، توزیع و مصرف سیاست های اقتصادی و فرهنگی جدیدی را در ابعاد جهانی طلب می کند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

در نتیجه گسترش دموکراسی و تسهیل در ارتباطات جوامع در عصر جهانی شدن، ثبات و

امنیت حکومت‌های اقتدارگرا و ایدئولوژیک مشکل‌تر می‌گردد. حکومت‌ها مجبور به پذیرش تعهداتی می‌گردند که خود نه تنها در ایجاد آن نقش نداشته‌اند بلکه حق انتخاب و تأثیرگذاری عمده بر روند مربوطه را نیز ندارند. جهانی شدن با تأثیر بر دو سطح داخلی و خارجی امنیت سیاسی مبتنی بر مفروض سنتی، موجب دگرگونی بنیادین در این مفهوم گشته است.

در نتیجه جهانی شدن در بعد داخلی، مسئله امنیت سیاسی در ارتباط نزدیک با رشد خودآگاهی‌های فزاینده شهروندان مطرح می‌باشد که ناشی از تأثیر رسانه‌های جدید است. به تدریج مردم داخل کشورها، احساس آزادی بیشتری برای بیان عقاید و خواسته‌هایشان کنند و در نتیجه طبیعی است که گروه‌های مختلف خواسته‌های مختلفی را بیان کنند و حکومت‌ها نیز ملزم به پذیرش رویه‌های دموکراتیک و اعطای آزادی‌های سیاسی و نظام‌های مشارکت می‌گردند. همچنین در سطح خارجی، گسترش جهانی دموکراسی و سرمایه‌داری لیبرال، موجب تضعیف نظام‌های متفاوت سیاسی و توسعه و تسلط جهانی این مکتب با ارزش‌های همسان‌سازی سیاسی خاص خویش می‌گردد. این موضوع به نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد موج‌ها و گرایش‌های سیاسی همسو با غرب در میان جوامع در حال توسعه گردد (حسین زاد، ۱۳۸۹: ۱۸).

در واقع در عصر جهانی شدن، «نیروهای جامعه مدنی جهانی با داشتن مجاری ارتباطی، خواسته‌های خود را به سطح توده مردم در بسیاری از جوامع انتقال می‌دهند» و آگاهی مردم را بدین سان بالا برده و در پی آن، انتظارات مردم نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر بالا رفتن آگاهی، «سیلی از تقاضا را روانه سیستم سیاسی می‌سازد و موجب شکل‌گیری انتظارات از سیستم سیاسی می‌شود». انقلاب انتظارات به خودی خود، بحران پاسخگویی و بحران مشروعیت را به ارمغان می‌آورد، و بدنبال آن، موج دموکراسی خواهی در جهان گسترش می‌یابد. بدین صورت، جهانی شدن، «موجب کاهش نقش و کارویژه‌های دولت و ظهور شرایطی تازه برای گذار به دموکراسی و دولت دموکراتیک و تخصصی شده است» (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۲). البته خواسته‌های جامعه مدنی جهانی ممکن است توسط اصحاب رسانه سامان دهی شود و بعوان ابزاری جهت هدایت افکار سیاسی جوامع جهان سوم همسو با غرب مورد بهره‌برداری قرارگیرد.

همچنین مخالفان جهانی شدن استدلال می‌کنند که فرایند جهانی شدن نه تنها به تضعیف دولت ملت منجر نخواهد شد بلکه قدرت آن را تحکیم خواهد کرد. در سطح سیاسی، دولت به عنوان بازیگر اصلی آن همچنان قدرتمند و پرنفوذ باقی خواهد ماند (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۵). در همین راستا رئالیست‌ها بر این باورند که هر چند ممکن است در نتیجه روند جهانی شدن ارتباط میان جوامع و اقتصاد بیش از پیش به هم وابستگی پیدا نماید، اما این مسئله سبب نخواهد شد که مهم‌ترین ویژگی سیاست جهانی، یعنی تقسیم جغرافیایی جهان به دولت‌ها تغییر یابد و جهانی شدن نمی‌تواند کشمکش میان دولت‌ها بر سر تصاحب قدرت را از میان بردارد بلکه تنها

قادر خواهد بود بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاثیر بگذارد (بیلیس، ۱۳۸۳: ۳۲). البته باید به این نکته اشاره داشت که جهانی شدن سیاست شاید شاخص‌ترین موردی است که شتاب آن از ابعاد دیگر جهانی شدن به مراتب کندتر است. و علت این امر را باید در ماهیت دولت ملی و نظام مرکب از دولت ملت‌ها جستجو کرد. دولت‌ها جهت حفظ اختیارات و امتیازات ناشی از حاکمیت موانع متعددی را برای جهانی شدن سیاست ایجاد کرده‌اند. البته به سادگی نمیتوان له یا علیه جهانی شدن رای داد. موافقان و طرفداران فرسایش و افول حاکمیت معضلات عدیده جهانی از زیست محیطی گرفته تا بلایای طبیعی و نیز ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از ماهوره گرفته تا اینترنت و همچنین مداخلات بشردوستانه سازمان ملل، تدبیر جهانی وسیال بودن سرمایه جهانی و یکپارچه شدن بازارهای مالی را ممکن است بعنوان دلایل فرسایش حاکمیت بیان کنند. مخالفان می‌توانند ناسیونالیسم، هویت خواهی، تجزیه طلبی و گسترش کمی دولت ملت‌ها را دلیلی برای رد نظریه موافقان مطرح کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

علی‌رغم ادعای مخالفان و موافقان جهانی شدن باید اعتراف کرد که مجموعه روزافزونی از شواهد نشان می‌دهد که تغییرات عمیقی در جوامع در حال وقوع است. که به نظر می‌رسد این دگرگونی‌ها شکل تازه‌ای به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع سراسر دنیا می‌دهد. ناامنی در بعد سیاسی منجر به بیگانه‌هراسی، نیاز به رهبران با اراده و تمکین در مقابل اقتدار می‌شود. ارزش‌های پست مدرن به جای تمکین در برابر اقتدار، بر ابراز وجود تاکید و گروه‌های دیگر را تحمل می‌کند و حتی به چیزهای خارجی و تنوعات فرهنگی به مثابه چیزهای خارجی هیجان برانگیز و جالب توجه، نه تهدید کننده تاکید دارد.

اگر در عصر جهانی شدن و در داخل کشوری مردم احساس کنند زندگی شان به طور کلی تحت تاثیر نهادهای دموکراتیک روبه بهبود می‌رود، این امر پایه‌های نسبتاً عمیق، گسترده و با دوامی برای حمایت از آن کشور ایجاد می‌کند. چنین نظامی، سرمایه‌ای از حمایت توده‌هایی فراهم کرده که می‌تواند به نظام کمک کند تا شرایط دشوار را پشت سر بگذارد. مشروعیت هر نظامی مفید است، اما نظام‌های اقتدارگرا از طریق سرکوب و اجبار دوام می‌آورند، و نظام‌های دموکراتیک باید از دید شهروندان مشروع باشد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۲۰). در عصر جهانی شدن همچنین کشورها تحت فشار موج‌هایی قرار می‌گیرند عمدتاً از سوی ابزارهای ارتباطی بین‌المللی برای هدایت گرایش‌ها و باورهای سیاسی مردم ایجاد شده است.

جهانی شدن و اطلاعات

در عصر جهانی شدن وارد شدن اطلاعات در انواع سیستم‌ها و در همه سطوح به مثابه ورود

اکسیژن به آن سیستم برای ادامه حیات است و توقف اطلاعات در هر سیستمی منجر به مرگ می‌گردد. انقلاب ارتباطات یکی از محرک‌های اصلی تحولات جهانی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. وبه دلیل ماهیت چندسویه بودنش مانع از رهبری روند تحولات توسط عده‌ای خاص می‌شود. ارتباطات متقابلاً در آگاه‌سازی بیش از پیش ملت‌های جهان از حقوق انسانی خویش موثر است (سجادی، ۱۳۸۷: ۳۱). در عصر جهانی شدن کنونی فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از جمله «اینترنت»، امکان تغییر و تحول در باورها، ارزش‌ها و در نتیجه، تصویر ذهنی مخاطبین را در حد بالایی افزایش داده است (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

واژه فاصله از بار مفهومی مکانی و زمانی برخوردار بوده است. تا کنون امکان انواع نقل و انتقالات میان دو یا چند نقطه با در نظر گرفتن فاصله قابل سنجش بود. بعدها فاصله از مفاهیم مکانی و زمانی صرف خارج شده و فواصل فضایی مطرح شد. در فرایند جهانی شدن فاصله مفهومی دیگری یابد و از حالت مکانی و زمانی خارج شده و ماهیت عملکردی به خود می‌گیرد. به میزانی که سطح توانمندی‌های اطلاعاتی افراد افزایش یابد از حاشیه که در یک فاصله فضایی است خارج شده است و به متن جهانی بودن داخل می‌شوند اعم از اینکه در چه مکان و چه موقعیت جغرافیایی و یا چه فضای ملی باشند و به همین نسبت نیز کثرت گرا می‌شوند. دلیل اصلی کثرت‌گرایی فزاینده اتحاد آن با تکنولوژی معاصر است که در قالب جهان اطلاعاتی شبانه‌روزی ظاهر شده است. در این دوره شعور ملی به شعور جهانی تغییر یافته در حالی که به هویت محلی نیز توجه کافی شده است.

منظور بسیاری از محققان از جهانی شدن همین دوره اخیر است. خصوصیات این دوران اخیر یا جهانی شدن رایج و مورد نظر عبارتند از: ۱. فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات؛ ۲. فشرده‌گی زمان و مکان؛ ۳. آگاهی‌های حاصل از انفجار اطلاعات؛ ۴. قلمروزدایی از جهان. نکته مهم دیگر درباره ماهیت این فرآیند، پروسه‌ای پروژه‌ای و یا ترکیبی بودن آن است. «عده‌ای ماهیت آن را یک فرآیند طبیعی و برخاسته از جوامع پسا صنعتی غرب می‌دانند» و آن را یک پروسه طبیعی قلمداد می‌کنند. ولی در دیدگاه دیگر، جهانی شدن امری تصنعی و هدایت شده است که غرب، آن را در راستای خواست‌ها و منافع خویش تعقیب و هدایت می‌نماید (سجادی، ۱۳۸۷: ۳۱).

جهانی شدن در ایران

گروهی از پژوهشگران و نظریه‌پردازان بر این باور هستند که افزایش سریع در تغییرات اقتصادی، فرهنگی، تکنولوژیکی و اجتماعی در سطح جهانی، اثرهای متفاوتی را در مناطق گوناگون جهان به وجود آورده است، به گونه‌ای که جهانی شدن در برخی از مناطق تمدن‌ساز بوده و فرصتهای فراوانی را به وجود آورده و در برخی مناطق دیگر ویرانگر و یا سست‌کننده ساختارهای

نظام اجتماعی و سیاسی بوده است.

امروزه نقش رسانه‌ها بویژه «اینترنت» در توسعه کشورها غیر قابل انکار است و در آینده نه چندان دور اینترنت به «هسته مرکزی ارتباطات» و روابط بین جوامع و انسانها تبدیل خواهد شد. در سال ۱۳۸۶ مرکز «آمار جهانی اینترنت» اعلام کرد، ایران رتبه نخست تعداد کاربران اینترنتی را در منطقه خاورمیانه کسب کرده است. البته مطالعاتی که اخیراً بر روی تعدادی از کشورهای جهان انجام شده، نشان دهنده آن است که از میان ۶۲ کشوری که وارد عرصه فرایند جهانی شدن شده اند ایران در آخرین مرتبه جای دارد. اما در هر حال این مطالعات تأکید داشته اند که در حوزه سیاسی و شاخص‌های مورد مطالعه از جمله حضور در سازمان‌های بین‌المللی، امضا مقاله‌نامه‌ها و دگرگونی‌های دولتی، ایران تلاش فراوانی داشته است (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۶: ۴۷).

نحله‌شناسی تفکرات صاحب‌نظران ایرانی درباره جهانی شدن، چهار رویکرد متمایز را نشان می‌دهد. عده‌ای با نگرش «نومارکسیستی» با تعبیر مرکز پیرامون، جهانی شدن را موجب افزایش قدرت و ثروت کشورهای متروپل و به حاشیه رانده شدن کشورهای ضعیف دانسته‌اند. برخی با نگرش «نئورئالیستی» آن را فرصتی برای قدرت‌های بزرگ به منظور افزایش، حفظ، نمایش و اعمال قدرت خویش با نگاه ابزاری به تحولاتی از قبیل کاهش اقتدار دولت‌های ملی در نظام پساوستفالی محسوب داشته‌اند. بعضی با رویکردی «نوکارکردگرایانه» افزایش تعامل هویت‌های منطقه‌ای را زمینه ساز ارتقای همکاریها و تفاهم‌های جهانی دانسته و منطقه‌گرایی را فراگردی مطلوب و گامی اولیه در مسیر جهانی شدن تلقی نموده‌اند. برخی دیگر با رویکردی «نئولیبرالیستی» جهانی شدن را به منزله آزادسازی تجاری در دنیای به هم پیوسته دانسته‌اند که مرادوات و مبادلات و ارتباطات جوامع بشری را روزافزون خواهد کرد.

در همین رابطه کسانی مانند دکتر فرهنگ رجایی در عین اینکه جهانی شدن را موجب گسترش ارتباطات و اطلاعات و هموار شدن راه برای شبکه‌های فراملیتی تولید، تجارت و امور مالی می‌داند، همچنین آن را زمینه ساز قدرتمندی عده‌ای و ناتوانمندی عده زیادی دیگر به طور همزمان می‌داند. فاخری پیامدهای مثبت جهانی شدن را رساندن انسان به صلح و آرامش جهانی، گرایش بیشتر حکومت‌های اقتدارگرا به دموکراسی، کاهش تعارضات ایدئولوژیک، گسترش اطلاعات و ارتباطات، نزدیکی و هماهنگی بیشتر بین بازیگران بین‌المللی و ارتباط و پیوستگی زنجیروار تحولات بین‌المللی می‌داند و پیامدهای منفی آن را فقیرتر کردن فقرا، غنی‌تر کردن اغنیا، تخریب محیط زیست، استثمار مدرن، افزایش شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و قرار گرفتن ابزار تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در اختیار شمال برمی‌شمرد.

پیروزمجتهد زاده، آثار مثبت جهانی شدن را حرکت آزاد سرمایه و گسترش مبادلات بدون موانع بازرگانی در جهان، به هم پیوستن روزافزون اقتصادها در جهان و افزایش رونق اقتصادی و گسترش

امنیت و ثبات جهانی، از میان رفتن موانع حرکت اطلاعات، گسترش دامنه آزادی های فردی و ژرفتر شدن دموکراسی می داند و آثار منفی آن را از میان رفتن امنیت شغلی افراد، فقیرتر شدن کارگزاران، افزایش شکاف میان ثروتمندان و فقرای اجتماع، گسترش ناامنی، بیشتر شدن گرایش های مادی در فرهنگ ها و گسترش دامنه سودجویی و سود پرستی برمی شمرد (دهشیری، ۱۳۸۰: ۹-۱۲).

روش تحقیق

در این تحقیق از یک سوز روش پیمایشی استفاده شده که یکی از رایج ترین سیستم های جمع آوری اطلاعات برای آگاهی از عقیده و گرایش جامعه مورد مطالعه درباره یک پدیده خاص است. در این پژوهش علاوه بر استفاده از دواجزار پرسشنامه و مصاحبه جهت جمع آوری اطلاعات از اسناد جهت بررسی تأثیرات جهانی شدن بر گرایشات سیاسی مردم در دوران انتخابات استفاده شده است. جهت سنجش^۱ پرسشنامه از ضریب کرونباخ استفاده شده و نتیجه حاصله عبارت است از ۰.۸۱۶. که بیانگر ضریب آماری مناسبی برای پرسشنامه می باشد. جهت ارزیابی^۲ پرسشنامه محقق از راهنمایی چندین متخصص جهانی شدن بهره برده است.

در این تحقیق برای بررسی مفهوم و ابعاد جهانی شدن جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد کرج انتخاب شده اند. در این تحقیق از روش تصادفی برای جمع آوری داده ها استفاده شده است. جهت بهره بردن از یک نمونه معنا دار که در حدود ۴۰۰ نفر می باشند محقق از روش خوشه ای تصادفی چند مرحله ای استفاده نموده است. نمونه ها از میان دانشجویان رشته های روانشناسی، علوم سیاسی، کامپیوتر، شیمی، معماری، ادبیات فارسی به صورت تصادفی انتخاب شده اند. جهت بررسی تأثیرات جهانی شدن بر گرایش های سیاسی مردم رفتار سیاسی مردم در دوران انتخابات ملاک نظر می باشد.

فهم مفاهیم پایه جهانی شدن

بیشتر پاسخ دهندگان (۵۹،۶) مدعی هستند که اصطلاح جهانی شدن را شنیده اند در حالی که ۳۰،۳ درصد اظهار کردند که با اصطلاح جهانی شدن آشنایی ندارند و (۱،۱ درصد) پاسخ نمی دانم را انتخاب کردند. این نکته را باید اذعان کرد که نوع تحصیلات و رسانه در فهم پاسخ دهندگان از واژه جهانی شدن نقش دارد. دانشجویانی که در مقطع ارشد تحصیل می کنند و یا در رشته های علوم

۱ Reliability

۲ Validity

انسانی تحصیل می کنند فهم بیشتری از اصطلاح جهانی شدن دارند. محقق به این نتیجه رسیده که موضوعی که برخی از پاسخ دهندگان با آن روبرو هستند این نیست که آنها با جهانی شدن آشنایی ندارند بلکه مسئله این است که برخی از پاسخ دهندگان نمی توانند جهانی شدن را مانند فهم رایج از جهانی شدن تعریف کنند. دانش وفهم برخی از دانشجویان از جهانی شدن متقاعد کننده نیست. بعنوان مثال ۴۱,۳ درصد به این سوال که جهانی شدن بصورت تدریجی موجب بی مرزی در دنیا می گردد پاسخ نمی دانم داده اند.

وقتی از پاسخ دهندگان درباره رابطه میان جهانی شدن و دهکده جهانی پرسیده شد بسیاری معتقد هستند که رابطه بین این دو مسئله رابطه وجود دارد. در حقیقت بدلیل گسترش شبکه های ماهواره ای و اینترنتی بسیاری از دانشجویان مسئله جهانی شدن را تجربه کرده اند. در این رابطه یک دانشجوی رشته ادبیات می گوید: «من میتوانم به خوبی احساس کنم که تو عصر جدید ما همگی به هم نزدیک شدیم انگار همه همدیگر را می شناسیم شاید این به جور جهانی شده».

بر اساس یافته ها چند مسئله مهم وجود دارد که باید مورد بحث قرار بگیرد. اولاً گرچه بسیاری از دانشجویان اصطلاح جهانی شدن را شنیده اند اما باید به این نکته اشاره داشت که بسیاری از دانشجویان از موضوعاتی که با تولد و آغاز جهانی شدن مرتبط است اطلاعی ندارند. دوماً، فهم بسیاری از دانشجویان بوسیله رسانه های جمعی تحت تاثیر قرار گرفته است. اصطلاح جهانی شدن همواره توسط روزنامه، شبکه های خبری، تلویزیون و رادیو استفاده می گردد. در همین رابطه یک دانشجوی رشته کامپیوتر می گوید: «خوب این کلمه جهانی شدن رومن زیاد از تلویزیون خودمان شنیدم، یادمه همیشه می گفتند جهانی شدن زیرسراسر آمریکا یعنی آمریکا اینطراحی کرده» سوماً، کسانی که در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می کنند و یا درحوزه علوم انسانی تحصیل می کنند فهم بیشتری از جهانی شدن دارند. در واقع فهم دانشجویان بسیار متاثر از رسانه های جمعی می باشد.

دانش درباره سمبل های جهانی، محصولات جهانی و نمادهای های جهانی

جهانی شدن بیشتر از طریق گسترش محصولات جهانی مانند کوکاکولا و پپسی ترسیم می شود. وقتی که از پاسخ دهندگان پرسیده شد که آیا محصولات جهانی، سمبل های جهانی و نمادهای جهانی توسط جهانی شدن گسترش یافته است بیشتر آنها (۵۴,۳) پاسخ موافق دادند. همچنین بیشتر پاسخ دهندگان شناخت بهتری (۸۰,۱) از خواننده های پاپ جهانی مانند مایکل جکسون، مدونا، تیلور سوئیفت و جاستین بیبر دارند. در حدود ۱۱,۵ درصد شناختی نداشتند و ۸,۴ درصد درکل هیچ شناختی نداشتند. در این راستا یکی از دانشجویان رشته علوم سیاسی می گوید «امروزه بچه های ایرانی تیلور سوئیفت و جاستین بیبر را بیشتر از هر خواننده ای حتی خواننده های داخلی می شناسند.» این مسئله

نشان دهنده نفوذ نمادهای جهانی در میان جوانان ایرانی می باشد. اگرچه برخی از پاسخ دهندگان شناخت دقیقی از اینکه جهانی شدن به چه معناست ندارند اما بسیاری از آنها قادر بودند بسیاری از محصولات جهانی مانند مدل‌های مختلف ماشین و مارک‌های لباس را شناسایی کنند. بعنوان مثال بیشتر پاسخ دهندگان (۸۳,۴ درصد) می توانند به آسانی مرسدس بنز، ولو، هوندا و اپل را بعنوان ماشین‌های خارجی شناسایی کنند. آنها همچنین قادر هستند مارک‌های جهانی مانند نایک و آدیداس را به راحتی شناسایی کنند.

برنامه‌های تلویزیونی جهانی مانند «سوپرمن» و «اسپیدرمن» در میان پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی در جهان قرار دارند و بیشتر پاسخ دهندگان (۹۲,۲ درصد) با این برنامه‌ها آشنا هستند و معتقد هستند که این برنامه‌های معروف بیشتر برای نسل جوان و نوجوان هستند. کافی نت‌ها بصورت فزاینده‌ای نقش بسیار مهمی در عصر اطلاعات کنونی پیدا میکنند و بیشتر پاسخ دهندگان (۷۸,۸ درصد) با این مسئله موافق هستند که کافی نت‌ها برای هر جامعه‌ای در قرن ۲۱ دارای اهمیت می باشد. در این زمینه یکی از دانشجویان رشته روانشناسی می گوید: «توی هر جامعه‌ای بویژه جامعه ما جوانان به کافی نت‌ها و اینترنت اعتیاد پیدا کرده اند، برخی از دوستای من روزانه ۱۰ ساعت توی اینترنت هستند.»

مسئله‌ای که ارزش یادآوری دارد این است که نمادهای جهانی چگونه زندگی روزمره پاسخ دهندگان را شکل می دهد. اما موضوعی که جالب‌تر است این می باشد که بیشتر پاسخ دهندگان دانش و شناختی از این موضوع ندارند که نمادهای جهانی چه نقشی در این دنیای درحال جهانی شدن دارد. بعنوان مثال بسیاری از پاسخ دهندگان نتوانستند درک کنند که کوکاکولا و پپسی همان نماد‌های جهانی هستند که همواره در برنامه‌های رسانه‌های جمعی نمایش داده می شوند و نقش مهمی در زندگی روزمره آنها دارند. آنها همچنین قادر هستند برخی از محصولات جهانی که بوسیله کشورهای خارجی ساخته می شوند را شناسایی کنند ولی آنها نمی توانند ارتباطی میان این مسئله پیدا کنند که چگونه همین نمادهای جهانی بر آنها تأثیر می گذارند و باعث می شوند آنها روزی تبدیل به یک «شخصیت جهانی» شوند.

جهانی شدن بعنوان یک نیروی جهانی در قرن ۲۱

بسیاری از پاسخ دهندگان دارای گرایشی مثبت به اجزا و ابعاد جهانی شدن هستند. بعنوان مثال درحالی که برخی از آنها (۳۰,۲ درصد) اظهار کردند که نمی دانند آیا نیروهای جهانی برای کشورهای مانند ایران خوب و یا بد است اما تقریباً بیشتر پاسخ دهندگان (۴۴,۸ درصد) باور دارند که جهانی شدن برای کشوری مانند ایران که دارای ظرفیت‌های بالایی است می تواند سودمند باشد. در مقابل (۲۵)

درصد) دانشجویان با این موضوع موافق هستند که جهانی شدن بعنوان شکل جدیدی از استعمار آمریکایی قطعاً برای مردم ایران تهدید است. بعنوان مثال یکی از دانشجویان رشته علوم سیاسی می گوید: «ما توی کشورمون قابلیت های زیادی داریم اگر بتونیم از تواناییهای خودمون استفاده کنیم می تونیم از فضای بازی که در عرصه جهانی ایجاد شده استفاده کنیم.»

اگرچه این اعتقاد وجود دارد که جهانی شدن یک موضوع قدیمی است اما جهانی شدن به شکل کنونی مسئله ای جدید برای مردم ایران می باشد. و در مقایسه با جوامع توسعه یافته، جامعه ایرانی در سال های اخیر و به شکلی عمیق با موضوع جهانی شدن درگیر شده است. در حقیقت تجربه و فهم قبلی دانشجویان درباره جهانی شدن برنگرش آنها درباره این فرایند بسیار تاثیر گذار خواهد بود.

نگرش به جهانی شدن سیاست

این تحقیق نشان می دهد که نزدیک (۴۷,۴ درصد) دانشجویان گرایش مثبتی به جهانی شدن سیاست دارند. همچنین (۳۰,۵ درصد) پاسخ دهندگان باور دارند که جهانی شدن سیاست توسط کشورهای غربی بویژه آمریکا هدایت می شود و بقیه (۲۲,۱ درصد) بطور کلی اظهار بی اطلاعی کردند. بیشتر پاسخ دهندگان (۴۵,۵ درصد) با این موضوع که جهانی شدن سیاست برای جامعه ایران مفید است موافق هستند و (۴۰,۷ درصد) مخالف این ادعا هستند و بقیه (۱۳,۸ درصد) کاملاً اظهار بی اطلاعی کردند. در این راستا یک از دانشجویان رشته معماری می گوید: «باز شدن فضای سیاسی چیز خوبی است، اینکه همه دولتها بصورت آزادانه با هم رابطه داشته باشند می تونه شرایطی برای ما مهیا کنه تا بتونیم بیشتر پیشرفت کنیم.»

بیشتر پاسخ دهندگان (۶۳,۶ درصد) با این موضوع موافق هستند که سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی مانند سازمان ملل متحد و شرکت های بین المللی در عصر جهانی شدن دارای اهمیت بسیاری است. نزدیک (۲۳,۸ درصد) دانشجویان با این ادعا مخالف هستند و بقیه (۱۲,۶ درصد) واژه نمی دانم را برگزیدند.

در مجموع باید اظهار داشت که اولاً، بیشتر دانشجویان باور دارند که جهانی شدن سیاست یک موضوع مثبت است و این مسئله برای کشورهایی مانند ایران می تواند یک فرصت می باشد. دوماً، این گروه از پاسخ دهندگان باور دارند که سازمانها و قراردادهای بین المللی در عصر کنونی بسیار مهم هستند و دولت ایران باید تلاش کند به این سازمانها بپیوندد و در آنها حضوری فعال داشته باشد. البته نباید این مسئله فراموش کرد که بسیاری از دانشجویان (۶۱,۳ درصد) با این گفته موافق هستند که نیروهای سیاسی جهانی شدن باعث تضعیف و کاهش کنترل دولت بر مرزهای ملی شده است. در مقابل (۲۵,۵ درصد) مخالف کاهش کنترل دولت بر مرزهای ملی هستند و بقیه (۱۳,۲ درصد) نسبت به

این ادعا موضع خنثی اتخاذ کردند. به همین دلیل است که یک دانشجوی رشته علوم سیاسی می‌گوید: «سازمانهای بین‌المللی و شرکت‌های بین‌المللی نقش مهمی در افزایش ارتباط میان کشورها دارند، اگرما هم از این سازمان‌ها استفاده کنیم می‌تونیم سود زیادی ببریم.» اما درمقابل یکی از دانشجویان رشته ادبیات انگلیسی بیان می‌کند: «به نظر من بیشتر این قبیل سازمانها زیر نظر آمریکا عمل میکنند و درحقیقت این آمریکاست که این سازمانها رو اداره می‌کنه. این سازمانها هیچ نفعی به ما نمی‌رسوند.»

تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر روی زندگی

جهانی شدن به مردم آموزش می‌دهد که چگونه از حقوق مدنی و سیاسی خود دفاع کنند. اما این مسئله زمانی امکان‌پذیر است که دولت نیز به گسترش این قبیل حقوق کمک کند. بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند تا در مقابل جهانی شدن مقاومت کنند اما تلاش اکثر کشورها در این زمینه با شکست مواجه شده است.

بسیاری از دانشجویان نسبت حقوق شهروندی خود آگاهی دارند و همواره بدنبال احقاق حقوق خود می‌باشند. بیشترپاسخ دهندگان (۷۳٫۶ درصد) خواهان برخورداری ازحقوق شهروندی هستند و برای حقوق مدنی خود اهمیت قائل هستند. (۱۵٫۳ درصد) اهمیت چندانی برای حقوق مدنی خود قائل نیستند و بقیه (۱۱٫۱ درصد) نسبت به این حالت منفعلانه دارند.

اکثردانشجویان (۷۵٫۲ درصد) با این گفته موافق هستند که رای آنها درانتخاب دولت مهم است و (۱۶٫۳ درصد) با این گفته مخالف هستند وبقیه (۸٫۵ درصد) به این سوال پاسخ واضحی ندادند. همچنین تقریباً همین تعداد از پاسخ دهندگان یعنی (۷۴٫۷ درصد) خواهان برخورداری نیازهای اساسی مانند هوای پاک، تحصیل رایگان، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی شدند. در این رابطه یکی از دانشجویان رشته شیمی می‌گوید: «یکی از خوبی‌های دوران ما اینه که ما همیشه به رسانه‌ها دسترسی داریم و من به شخصه از همین رسانه‌ها خیلی چیزها درباره رای دادن و نیازهای اساسی یاد گرفتم.»

پاسخ دهندگان نسبت به این سوال که آیا عضوسازمان‌های غیردولتی هستند و یا اینکه در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت دارند دچار نوعی عدم قطعیت شدند یعنی اینکه بسیاری از آنها (۸۲٫۵ درصد) وضعیت انفعالی را برگزیدند که نشان دهنده عدم تمایل در میان دانشجویان جهت پاسخ دهی به این دو سوال می‌باشد. شاید این مسئله ریشه در حساسیت‌های موجود در جامعه و همچنین فراهم نبودن بسترهای مناسب جهت فعالیت شهروندان دراین عرصه می‌باشد. درهمین راستا یکی از دانشجویان رشته علوم سیاسی می‌گوید: «خوب من به شخصه چیز زیادی درباره فعالیت

نهادهای غیردولتی نشینیم و اگر بخوام برم عضو یکی از این انجمن ها بشم نمیدونم کجا باید برم و یا باید چکار کنم».

همچنین این تحقیق با این نتیجه دست یافته که بیشتر دانشجویان تمایل دارند که خود را در عرصه های عمومی و رسانه ای به نمایش بگذارند و یا به نوعی ابراز وجود نمایند. بدین دلیل است که اکثرا (۷۶,۴ درصد) با این گفته که شهروندان می توانند از طریق شاه راهی اطلاعاتی ابراز وجود نمایند موافق هستند و (۱۵,۸ درصد) آنها مخالف و مابقی (۷,۸ درصد) وضعیت خنثی دارند. در همین راستا بسیاری از پاسخ دهندگان (۴۸,۴ درصد) اظهار کردند که معمولا در رسانه هایی مانند فیس بوک، تویتر و تلگرام نسبت به سیاست های دولت گلایه می کنند. در مقابل (۳۲,۴ درصد) مدعی هستند که در این قبیل رسانه ها هیچ گونه گلایه ای از سیاست های دولت نداشته اند و مابقی به این سوال پاسخ واضحی ندادند. البته شاید ریشه این مسئله در اینجاست که در داخل کشور ابزارهای مناسب برای نسل جوان کمتر مهیا می باشد و در نتیجه بیشتر جوانان جهت ابراز وجود و یا گلایه از برخی کاستی ها به سمت رسانه های بیگانه سوق پیدا می کنند. در این باره یکی از دانشجویان رشته روانشناسی می گوید: «ما جوان ها همیشه نیاز داریم خودمون را به بقیه نشون بدیم این چیز بدی نیست، و خوشبختانه تلگرام به امثال من این فرصت را داده.» یکی دیگر از دانشجویان رشته معماری بیان می کند: «من هر وقت از یکی از برنامه های دولت شاکی می شوم میرم داخل تلگرام و به کامنت گلایه آمیز میزارم.» در مقابل یکی از دانشجویان رشته علوم سیاسی می گوید: «این قبیل رسانه ها در خدمت غرب هستند و در حقیقت دنبال این هستند که از ما اطلاعات بگیرند... اینها یک نوع ابزار جاسوسی هستند.»

یافته های این تحقیق همچنین نشان می دهد که دانشجویان وارد عرصه ای به نام جامعه مدنی جهانی شده اند و در این عرصه فعالیت می کنند. به همین دلیل است که بسیاری از آنها با این موضوع که آنها دوستان بسیاری در خارج از کشور دارند موافق هستند. در حقیقت (۴۷,۶ درصد) مدعی هستند که دارای دوستانی در خارج از ایران هستند و (۳۳,۷ درصد) هیچ دوستی در خارج از ایران ندارند و مابقی (۱۸,۷ درصد) جواب قانع کننده ای نداده اند. نکته جالب اینجاست که اکثر این قبیل دوست یابی ها از طریق گفتگوهای اینترنتی ایجاد شده است. یکی از دانشجویان رشته کامپیوتر در این رابطه می گوید: «من از طریق فیس بوک و چیزایی مثل همین تونستم چند تا دوست خارجی پیدا کنم، همیشه با همدیگر چت میکنیم و به هم دیگه اطلاعات میدیم.»

علاوه بر این بسیاری از دانشجویان (۶۸,۶ درصد) به این مسئله آگاهی دارند که امروزه می توانند به سادگی از مرزهای ملی عبور کنند و بعنوان توریست به کشورهای دیگر سفر کنند ولی حدود (۱۳,۸ درصد) نسبت به این موضوع اظهار بی اطلاعی کردند و بقیه (۱۷,۶ درصد) وضع خنثی داشتند. نکته اینجاست که شاید بسیاری از این دانشجویان اطلاع نداشته باشند که درگیر موجهای جهانی شدن می

باشند و بعنوان یک شهروند جهانی در جامعه مدنی جهانی فعالیت می کنند، اگرچه ممکن است این جامعه جهانی بیشتر در حوزه رسانه ای نمود پیدا کرده باشد. در رابطه با تضعیف مرزهای ملی یکی از دانشجویان می گوید: «من از این مسئله خوشحال هستم که بدون اینکه کسی بتونه من رو کنترل کنه هر جا که بخواهم بروم، من وقتی وارد اینترنت می شوم به همه جای دنیا وبه همه اطلاعات بدون هیچ محدودیتی دسترسی دارم، این موضوع برای شخص من خیلی لذت بخشه».

اما در مورد فعالیت دولت ایران در جامعه بین الدولی بیشتر دانشجویان (۴۸,۳ درصد) با این جمله موافق نیستند که دولت با اکثر کشورهای دنیا رابطه ای دوستانه برقرار کرده است. نزدیک (۳۲,۷ درصد) موافق این مسئله هستند و مابقی (۱۹ درصد) پاسخ واضحی با این سوال نداده اند. از این وضعیت می توان نتیجه گرفت که اکثر دانشجویان تحت تاثیر ابعاد سیاسی قرار گرفته اند و در حال تبدیل شدن به «شخصیت های جهانی» می باشند. در حالی که همین دانشجویان اظهار می کنند که جهانی شدن بر فعالیت های دولت بعنوان یک عضو جامعه بین المللی تاثیر کمی گذاشته است.

نتیجه گیری:

این مقاله به این نتیجه گیری رسیده است که جهانی شدن در میان قشر جوان بویژه دانشجویان نفوذ کرده است و بسیاری از آنها را تحت تاثیر قرار داده است. در مورد دانش دانشجویان باید اذعان کرد که بیشتر دانشجویان دارای دانش مناسبی از جهانی شدن هستند هر چند که برخی از این دانشجویان هرگز اصطلاح جهانی شدن را نشنیده اند و یا اینکه فهم درستی از جهانی شدن ندارند. دانشجویان همچنین دارای شناخت و آگاهی نسبت به سمبل ها و نمادهای جهانی شدن هستند، حتی برخی نمادهای بین المللی در میان دانشجویان از نمادهای داخلی شناخته شده تر هستند.

در مورد گرایش به جهانی شدن سیاست می توان گفت که دانشجویان هم گرایش مثبت و هم گرایش منفی به جهانی شدن سیاست دارند اما در مجموع بیشتر دانشجویان گرایش مثبتی به جهانی شدن سیاست دارند و آن را برای جامعه ایران مفید می دانند. در مورد تاثیرات سیاسی جهانی شدن هم این مقاله به این نتیجه رسیده که اکثر دانشجویان در فرایند جهانی شدن درگیر شده اند و عضوی از جامعه مدنی جهانی شده اند اگرچه ممکن است خود آنها از این مسئله آگاهی نداشته باشند. در مورد تاثیر سیاسی جهانی شدن همچنین باید گفت که بیشتر دانشجویان نسبت به حقوق سیاسی و مدنی خود آگاهی دارند و خواهان برخورداری از حقوق مدنی می باشند.

منابع:

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸)، «جهانی شدن و حاکمیت فراوستفالیبا با تاکید بر ایستاره‌های جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره ششم، ۱۶-۱۳۳.
- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، «جهانی شدن و ارزشهای پست مدرن»، ایرج فیضی، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۶.
- بیلینس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست، ابوالقاسم راه چمنی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰)، «ابعاد جهانی شدن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، بهار.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ، محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول.
- حسین زاده، مصطفی (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و امنیت سیاسی»، روزنامه رسالت، شماره ۷۰۱۷، ص ۱۸.
- خواجه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۶)، «جهانی شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران، نمونه مورد مطالعه: تهران، شیراز و استهبان»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، زمستان.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، «ایران و جهانی شدن: تهدیدها و فرصت‌ها»، فصلنامه مصباح، سال دهم، شماره ۳۷.
- ستوده، محمد (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ش ۴۲.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۷)، درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- شولت، یان ارت (۱۳۸۲)، نگاهی به موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- صالحی امیری، سید رضا وعظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷)، «جهانی شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، شماره ۴۱.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸)، «جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.

- کانکلینی، نستورگاریا (۱۳۷۹)، گزینه های سیاست فرهنگی در عرصه فرهنگی جهانی شدن، مصطفی اسلامی، گزارش جهانی شدن فرهنگ، تهران، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو، چاپ اول.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن: فرهنگ و هویت، نشر نی، ج اول، تهران ۱۳۸۱. محمود، دهقانی (۱۳۸۶)، «ابعاد پدیده جهانی شدن»، اقتصاد سیاسی بین المللی در عصر جهانی شدن، معاونت پژوهش های سیاست خارجی، شماره ۷.

- هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و مخالفان آن، مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

- واترز، مالکوم، (۱۳۷۹)، جهانی شدن، اسماعیل مردانی گیوی، تهران: انتشارات مدیریت صنعتی، چاپ اول.

-David Held and Anthony McGrew (۲۰۰۰), "The great globalization debate: an introduction", in *The Global transformations reader: an introduction to the globalization debate*, ed. David Held and Anthony McGrew, Cambridge: Polity Press.

-Heywood, Andrew (۲۰۰۲), *Politics*, Basingstoke: Palgrave.

Scholte, Jan Aart (۱۹۹۹) "Globalisation: prospects for a paradigm shift", in *Politics and globalisation: knowledge, ethics and agency*, ed. Martin Shaw, London: Routledge.

-Waters, M (۲۰۰۱), *Globalization*, London: Routledge.